



محمدحسن نبوی

عمل می‌کنند؛ تا جایی که از همراهی با کفر، فساد و نفاق استقبال نموده، با آنان همراه می‌گردند. به اباعبدالله الحسین علیه السلام جسارت می‌شود، سکوت می‌کنند؛ به نمازگزاران در روز عاشورا حمله می‌شود، توجیه می‌کنند؛ به امام علیه السلام و از آن مهم‌تر به آرمانهای امام که هزاران شهید برای برپایی آن جان دادند توهین می‌شود، خم به ابرو نمی‌آورند. این سؤال، اذهان بسیاری را به خود مشغول ساخته، آزمون بزرگی را در برابر دین داران جلوه‌گر و در برخی از موارد مردم را دچار

حوادث و رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری، خیلی قابل تأمل و بررسی است. برای عده‌ای این سؤال مطرح است که چگونه افرادی که دارای سوابق مبارزاتی بوده و در مسیر پیروزی انقلاب مشکلاتی را تحمل نموده‌اند، کسانی که ادعای دین‌داری داشته و گاهی خود را فدائی دین می‌دانستند و در برخی از مقاطع هم خود را در معرض خطر قرار داده‌اند، با گذر زمان تحول یافته و در جبهه مقابل واقع و به صورت پیاده نظام دشمن

تردید ساخته است. از آنجا که این سؤالی است که این روزها به صورت گسترده از مبلغین پرسیده می‌شود، ما در این سرمقاله به صورت گذرا به آن می‌پردازیم.

برای پاسخ به سؤال مطرح شده، چند نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

#### احتمال انحراف در طول زندگی

قبل از هر چیز باید توجه داشت که انسان موجودی مختار است و تا زمانی که زنده است، اختیار از او جدا نمی‌شود و تنها پس از مرگ پرونده اختیار او بسته می‌شود. همین اختیار موجب می‌شود که انسان تا آخر عمر و در هر لحظه، امکان انتخاب راه هدایت و یا ضلالت را داشته باشد؛ از اینرو هیچ کس نمی‌تواند به عدم انحراف خود تا آخرین لحظات زندگی مطمئن شود.

بعضی عمری در مسیر صلاح بوده‌اند؛ اما در آخر عمر گمراهی را انتخاب کرده‌اند، و گروهی دیگر عمری را به خطا رفته و در آخر عمر

متنبه گشته، توبه نموده و راه صلاح بر گزیده‌اند.

از اینرو اصطلاحی در بین مردم و حتی خواص از علماء و اهل توجه مطرح است به نام عاقبت به خیری که توجه به این نکته بسیار مهم و ضروری است. شخصی نقل کرد که شب میلاد امام رضا علیه السلام به زیارت حضرت مشرف شدم، بزرگانی هم به زیارت آن حضرت مشرف شده بودند، از سه تن از آن بزرگواران که اهل توجه هم بودند به طور جداگانه پرسیدم که امشب شب میلاد حضرت رضا علیه السلام است، از ایشان چه چیزی را به عنوان عیدی طلب کنم؟ هر سه فرمودند: عاقبت بخیری.

در روایات متعددی توجه به این نکته مورد تاکید قرار گرفته است که ذیلا به مواردی اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«أَطْلُبُ السَّلَامَةَ أَيُّنَمَا كُنْتُ وَفِي أَيِّ حَالٍ كُنْتُ لِذِينِكَ وَ لِقَلْبِكَ وَ عَوَاقِبِ

**بعضی عمری در مسیر  
صلاح بوده‌اند؛ اما در آخر  
عمر گمراهی را انتخاب  
کرده‌اند، و گروهی دیگر  
عمری را به خطا رفته و در  
آخر عمر متنبه گشته، توبه  
نموده و راه صلاح بر  
گزیده‌اند**

از امام صادق علیه السلام نقل شده که  
فرمودند: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ  
الدُّنْيَا؛<sup>۳</sup> دنیا دوستی باعث همه  
خطایاست.»

در جای دیگر، راوی می‌گوید از  
امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:  
«إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَوَجَدَ  
حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ؛<sup>۴</sup> هنگامی که مؤمن از  
دنیا خالی شود، مزه دوستی خدا را  
می‌چشد.»

أُمُورِكَ مِنَ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> در هر جایی و در هر  
مکانی بودی، سلامت دین، قلب و  
عاقبت امورت را از خداوند بخواه.»

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز نقل  
شده است که فرمودند: جبرئیل این  
مناجات را به من ارائه نمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ  
الْبَلَاءِ... وَ أَنْقِذْنِي مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ  
الْأُمُورِ؛<sup>۲</sup> خداوند!ا! به تو پناه می‌برم از  
شدائد نازل کننده بلا و... مرا از بدی  
عواقب امور نجات بخش.»

#### دنیا طلبی

یکی از عوامل دیگری که موجب  
انحراف انسانها در شرایط مختلف  
بوده و تا لحظات آخر عمر تاثیر  
زیادی در سرنوشت انسان دارد، دنیا  
دوستی است و بسیاری از انحرافات  
که در وقایع اخیر دیده می‌شود منشا  
آن دنیا دوستی است.»

۱. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۰۰، باب ۸۷ - التقیة و  
المداراة.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۸۲، باب ۴۵ - الأدعية  
و الأذکار.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۱۵، باب حب الدنيا.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۰.

کسانی که دل به دنیا بسته و فریفته زخارف دنیوی شوند، در هر موقعیت و سنی به خطا و گناه مبتلا می‌گردند و اگر چه سوابق بسیار خوبی هم داشته باشند، به هیچ وجه در امان نخواهند بود.

#### مال دوستی

علاقه به مال در اغلب انسانها وجود دارد، لیکن اگر از حد تجاوز کرد؛ به گونه‌ای که جای عشق الهی را گرفت و توانست افرادی را به گناه کشاند، به صورت عاملی برای خطاهای دیگر نقش آفرین می‌گردد.

قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾<sup>۳</sup> «و به راستی انسان علاقه شدیدی به مال دارد.»

مال دوستی در سراسر عمر انسان تا آخرین لحظات زندگی می‌تواند سر نوشت فرد را تغییر داده، او را از صلاح به فساد کشاند.

از امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسَّهُهَا وَ السَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ وَ يَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ؛<sup>۱</sup> دنیا مانند مار است، هنگام لمس کردن نرم است و در درون آن سم قاتل است، جوان بی‌تجربه و نادان جذب آن می‌شود و مرد اندیشمند دانا از آن می‌گریزد.»

گاهی تصور می‌شود که اگر مردم بعضی از نیازمندیها را داشتند به دنبال دنیا نمی‌دویدند؛ در حالی که این سخن باطل است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَمُوتَ؛<sup>۲</sup> دنیا مانند آب دریاست که هر چه انسان تشنه از آن می‌نوشد، به تشنگی او افزوده می‌شود تا وی را به قتل رساند.»

۱. نهج البلاغه، ص ۴۸۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۷۹.

۳. عادیات / ۸.

عنايت فرمود، بايد با تمام وجود آن شرايط را غنيمت دانسته، براي تحقق عدالت و كسب اجر اخروي بكوشد. اما كساني كه به رياست علاقه مند بوده، به دنبال رياست براي ارضاء غرورهاي خود هستند، در معرض خطر جدی قرار دارند.

امام صادق عليه السلام می فرمایند:

«مَنْ طَلَبَ الرَّيَاسَةَ هَلَكَ؛ كَسِي كَه بَه  
دنبال رياست باشد، هلاک می گردد.»

در روايت ديگري حماد بن بشير از امام صادق عليه السلام نقل می کند كه آن حضرت می فرمود:

«مَا ذُنْبَانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ فَارَقَهَا  
رِعَاؤُهَا أَحَدُهُمَا فِي أَوَّلِهَا وَالْآخِرُ فِي  
آخِرِهَا بِأَفْسَدَ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَالشَّرَفِ  
فِي دِينِ الْمُسْلِمِ؛<sup>۱</sup> فساد دو گرگ درنده  
در گوسفندانی كه از چوپان جدا شده  
و یکی از اول و دیگری از آخر [به  
گوسفندان حمله ور می شوند] بیش تر

بايد توجه داشت كه خود مال دوستی، هر یکی از نمودهای دنیا دوستی است و در بخش قبل گفته شد كه دنیا دوستی باعث همه خطايا است.

از آن مشکل تر اگر كسانی به اموال غير مشروع دست یافته باشند، از سویی مال حرام در وجود آنان اثر گذاشته، زمینه پذیرش سخن حق را از آنان می گیرد و از سوی دیگر با گذر زمان به این داشته ها دل بسته و هر آن به خاطر علقه بیش از حد به مال در معرض خطر دیگری قرار می گیرند.

#### ریاست طلبی

عده ای از كسانی كه در فراز و نشیبها دچار مشکل شده و به انحراف مبتلا می شوند به دلیل علاقه به ریاست است.

به طور کلی باید توجه داشت كه ریاست فرصت بسیار ارزشمندی برای اجرای عدالت است، كه اگر خداوند به فردی چنین فرصتی را

۱. الكافی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. الكافی، ج ۲، ص ۳۱۵، باب حب الدنيا و الحرص عليها.

از فساد علاقه به مال و ریاست نسبت به دین مسلمان نیست.»

عبد الله بن مسکان می‌گوید:  
شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ هَؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءِ الَّذِينَ يَتَرَأْسُونَ فَوَاللَّهِ مَا خَفَقَتِ النَّعَالُ خَلْفَ رَجُلٍ إِلَّا هَلَكَ وَ أَهْلَكَ»<sup>۱</sup> از این ریاست دارانی که ریاست می‌ورزند دوری کنید، همانا به خداوند سوگند! صدای کفشها به دنبال مردی نیامد مگر آنکه هلاک شد و هلاک گرداند.»

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَسَ مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهَا مَلْعُونٌ مَنْ حَدَّثَ بِهَا نَفْسَهُ»<sup>۲</sup> کسی که ریاست ورزد ملعون است، کسی که برای ریاست تلاش کند ملعون است و کسی که با خود درباره ریاست بیاندیشد ملعون است.»

بسیارند کسانی که به دلیل جاذبه‌های ریاست گاهی همه

اعتقادات و باورهای خود را زیر پا می‌گذارند.

در رویداد عبرت‌آموز کربلا به‌خوبی افرادی از این دست را می‌توان یافت و امروز هم به وضوح انسانهایی از این قبیل قابل مشاهده هستند. این افراد تا زمانی که ریاست آنها بر قرار است، مدافع ارزشها و حکومت جلوه می‌کنند؛ اما آن‌گاه که از مدیریت یا ریاستها بر کنار می‌شوند به همه چیز پشت پا می‌زنند. این احتمال خطر منحصر به زمان خاصی نبوده و می‌تواند تا آخر عمر، آدمی را به این ورطه بکشاند.»

#### گناه

معصیت و سرکشی در برابر خداوند، آثار و عواقب گوناگونی در دنیا و آخرت دارد که یکی از آنها سلب ایمان از گناهکار است. گناهان در برخی از موارد موجب انکار آیات خداوند می‌گردد.

قرآن مجید می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا

۱. همان.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۹۸.

اگر کسانی به اموال غیر مشروع دست یافته باشند، از سویی مال حرام در وجود آنان اثر گذاشته، زمینه پذیرش سخن حق را از آنان می‌گیرد و از سوی دیگر با گذر زمان به این داشته‌ها دل بسته و هر آن به خاطر علقه بیش از حد به مال در معرض خطر دیگری قرار می‌گیرند

#### دیگراندیشی

برخی از افراد به دنبال تجدد و نواندیشی هستند. گرچه نواندیشی به معنای دریافت اندیشه‌های نو و فرآورده‌های فکری جدید بسیار ارزشمند و موجب رشد دانش بشری است؛ لیکن هر سخن و یا مطلب جدید گفتن بدون پشتوانه فکری، دلیل بر نواندیشی نیست؛ بلکه گاهی افرادی در این عرصه دچار مشکلاتی

بآیاتِ اللّهِ وَ کَانُوا بِهَا یَسْتَهْزِئُونَ؛<sup>۱</sup> «سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند.»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَذْكُرُوا عِنْدَ الْمَعَاصِي ذَهَابَ اللَّذَاتِ وَ بَقَاءَ التَّبِعَاتِ؛<sup>۲</sup> در هنگام معصیت به فکر گذرا بودن لذتها و ماندگاری تبعات آن باشید.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِخْذَرُوا

عَوَاقِبَ الْفُتْرَاتِ؛<sup>۳</sup> از عواقب خطاها بپرهیزید.»

بسیاری از انحرافها انسانها را به پرتگاه ضلالت می‌کشاند. گناه هنگامی که تکرار شود و معصیت کار به توبه روی نیاورد، با گذر زمان فرد را به کفر و بی‌ایمانی می‌رساند و این امر در هر زمان از عمر انسان امکان‌پذیر است.

۱. یوسف/۱۰.

۲. غررالحکم، ص ۱۸۵.

۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۳۷.

می‌گردند که قابل بررسی و تأمل است.

الف. عده‌ای کلام نو و جدیدی را مطرح و بدون برهان و دلیل قانع کننده و قابل طرح در حوزه‌های تخصصی، به نشر آن می‌پردازند. اینان مطالبی را در فضاهای غیر کارشناسی و یا برای افراد نا آشنا مطرح و خود را نوآور جلوه می‌دهند.

ب. گروهی دیگر نیز حرف جدیدی ندارند؛ ولی با طرح مطالب دیگران سعی می‌کنند خود را اندیشمند و نوآور معرفی کنند. گاهی دیده می‌شود که این افراد بدون درک عمق مطالب دیگران، به بیان آن پرداخته، خود را آورنده مطلب معرفی و به غروری بی‌رویه مبتلا می‌شوند. اینان مخالفان را هم نادان و واپس‌گرا معرفی می‌کنند.

ج. از این دو دسته بدتر کسانی هستند که نوآوری در مباحث دینی را در مسیر بدعت و دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ دنبال می‌کنند. اینان نه تنها

خلّاق نیستند؛ بلکه در جایگاه شیادان عمل می‌کنند.

در لسان روایات افراد بدعت‌گذار و پیروان آنها به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و به مؤمنین سفارش شده از آنان دوری کنند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَ لَأَنَّا تُجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ؛<sup>۱</sup> با اهل بدعت همراهی و هم‌نشینی نکنید؛ زیرا در بین مردم یکی از بدعت‌گذاران به حساب خواهید آمد. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: هر کس بر دین دوست و نزدیکانش هست.»

د. دسته‌ای دیگر در جامعه وجود دارند و این گروه کم هم نیستند که هر حرفی که به عنوان تئوری و نظریه دانشمندان غربی معرفی شود، بدون توجه به اینکه دلیل این مطلب چیست و صرفاً به دلیل آنکه از آن

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵.



مجلسی که در آن کسی به دروغ فتوا می‌دهد و مجلسی که یاد دشمنان ما در آن جدید و ذکر ما کهنه قلمداد می‌شود و مجلسی که در آن شخصی است که راه به سوی ما را می‌بندد و تو بدان علم داری.»

امروزه کسانی که تحت تاثیر بیگانگان هستند و نسبت به روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بی‌اعتنایی دارند، کم نیستند. اینان با گذر زمان آنچنان شیفته بیگانگان می‌شوند که دین و آئین خود را در این راه بر باد می‌دهند.

#### همراهی با نا اهلان

به‌طور کلی انسانها در ابعاد مختلف اخلاقی، اعتقادی و فکری، از دوستان و نزدیکان خود تاثیرپذیرند؛ به گونه‌ای که بسیاری از افراد پس از مدتی دوستی با شخصی همانند او فکر می‌کنند، رفتار می‌نمایند، و سلیقه‌شان به دوستشان نزدیک می‌شود و... این تاثیرپذیری اگر از دوست خوب باشد فرد را صالح و اگر از دوست بد بود، آدمی را فاسد

طرف آب آمده، مطلب را دقیق و غیر قابل خدشه می‌پندارند و به خاطر همین سخن بی‌اساس، قوی‌ترین مباحث علمی دانشمندان توانمند خودی را به سخریه می‌گیرند.

بعضی آن‌قدر در این زمینه جلو می‌روند که آیات قرآن و روایات را کهنه و قدیمی و سخنان دیگران را نو و جدید می‌پندارند. این مطلب در روایتی به زیبایی و به صورت اعجاز‌آمیزی نقل گردیده است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ مَجَالِسٍ يَمَقُّهَا اللَّهُ وَيُرْسِلُ نَقْمَتَهُ عَلَى أَهْلِهَا فَلَا تَقَاعِدُوهُمْ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ مَجْلِسًا فِيهِ مَنْ يَصِفُ لِسَانَهُ كَذِبًا فِي فِتْيَانِهِ وَ مَجْلِسًا ذِكْرُ أَغْدَانِنَا فِيهِ جَدِيدٌ وَ ذِكْرُنَا فِيهِ رَثٌ وَ مَجْلِسًا فِيهِ مَنْ يَصُدُّ عَنَّا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ؛ اسه مجلس است که مورد غضب الهی است و خداوند عذاب خود را بر اهل آن مجالس نازل می‌کند، پس با آنان همنشینی و مجالست مکن.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۸، باب مجالسة اهل المعاصی.

همنشینی گناهکاران با نیکوکاران،  
بدکاران را به نیکوکاران ملحق  
می‌سازد.

کسی را که وضعیت او برایتان  
مشتبّه بود به دوستانش نگاه کنید، اگر  
اهل دین خدا بودند، پس او هم اهل  
دین خدا است و اگر اهل دین  
خداوند نبودند پس او هم بهره‌ای از  
دین خدا نخواهد داشت. همانا  
پیامبر ﷺ فرمودند: کسی که ایمان به  
خدا و روز قیامت داشته باشد، نباید  
با گنهکاران دوست شود و کسی که  
با کافر دوستی و با گنهکار مخلوط  
گردید، خود، کافر و گنهکار است.»

امام سجاده علیه السلام فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَ  
صُحْبَةَ الْعَاصِينَ وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ وَ  
مُجَاوَرَةَ الْفَاسِقِينَ أَخَذَرُوا فِتْنَتَهُمْ وَ تَبَاعَدُوا  
مِنْ سَاحَتِهِمْ»<sup>۲</sup> از همراهی با گنهکاران و  
کمک به ستمگران و مجاورت  
گنهکاران پرهیزید و از فتنه آنها  
پرهیزید و از کنار آنان دور شوید.»

می‌گرداند؛ از اینرو با اطمینان می‌توان  
گفت یکی از مواردی که موجب  
انحراف انسانها می‌شود، همنشینی با  
نااهلان است. مقصود از نااهلان همه  
انسانهای منحرف می‌باشد؛ اعم از  
کفار، منافقین و فاسدین. در این باره  
روایات بسیاری وارد شده که اکنون  
به مواردی اشاره می‌شود:

امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:  
«مُجَالَسَةُ الْأَشْرَاقِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ  
بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَاقَ  
بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْفَجَّارِ لِلْأَبْرَارِ تُلْحِقُ  
الْفَجَّارَ بِالْأَبْرَارِ فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَ لَمْ  
تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا  
أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ إِنْ لَمْ  
يَكُونُوا عَلَى دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ فِي دِينِ  
اللَّهِ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ  
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤَاخِئَنَّ كَافِرًا  
وَلَا يُخَالِطَنَّ فَاجِرًا وَ مَنْ آخَى كَافِرًا أَوْ  
خَالَطَ فَاجِرًا كَانَ فَاجِرًا كَافِرًا؛ همنشینی  
با افراد شرور موجب بد گمانی به  
نیکان می‌شود و همنشینی با نیکان  
اشرار را به نیکان، ملحق می‌نماید و

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۶۰.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۶۵.